

شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و حقوق (کتاب)

نویسنده: مرتضی کریمزاده

چکیده

کتاب شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و حقوق نوشته مدیحه هاشم‌پور به بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی پرداخته و دلایل موافقان و مخالفان را به تفصیل تحلیل می‌کند. نویسنده با استناد به قواعدی مانند اصالة الاباحه و قاعده اهم و مهم، شبیه‌سازی را از نظر حکم اولیه مباح می‌داند، اما از منظر حکم ثانویه، در صورت وجود پیامدهای منفی مانند آسیب‌های اخلاقی یا اجتماعی، آن را محدود می‌شمارد. اشکالات مخالفان، از جمله نابودی تنوع انسانی، مشکلات ژنتیکی و تضعیف نهاد خانواده، بررسی و با استدلال‌های فقهی پاسخ داده می‌شود.

در بخش احوالات شخصیه، نویسنده موضوعاتی مانند نسب، ارث، محرمیت و حضانت فرد شبیه‌سازی شده را مطابق قواعد فقهی تحلیل کرده و نتیجه می‌گیرد که این موارد با قوانین شرعی قابل تطبیق هستند. در نهایت، نویسنده تأکید می‌کند که شبیه‌سازی تا زمانی که اطمینان کامل از بی‌خطری و عدم ایجاد مفاسد اجتماعی حاصل نشود، باید با احتیاط انجام شود.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و حقوق، نوشته مدیحه هاشم‌پور، به بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از منظر احکام اولیه و ثانویه و همچنین احوال شخصیه افراد شبیه‌سازی شده می‌پردازد. این اثر در ۱۰۵ صفحه به زبان فارسی تألیف شده و توسط انتشارات پژوهاک عدالت به چاپ رسیده است.

ساختار کتاب

کتاب شامل یک مقدمه و شش فصل است: فصل اول به کلیات، تاریخچه و روند قانون‌گذاری شبیه‌سازی انسانی اختصاص دارد و نمونه‌هایی از ادعاهای مرتبط با شبیه‌سازی انسان، برخی گیاهان، حشرات، و حیوانات را مطرح می‌کند. سپس، به بررسی روند قانون‌گذاری در مجامع قانونی پس از مطرح شدن ایده تولید انسان از طریق شبیه‌سازی توسط دانشمندان می‌پردازد. در پایان، اعلامیه سازمان ملل متحد درباره شبیه‌سازی انسان را مورد توجه قرار می‌دهد (ص ۱-۸).

فصل دوم به تعریف شبیه‌سازی، انواع آن، کارکردهای شبیه‌سازی انسانی، مفهوم شخصیت، و پروژه ژنوم انسانی می‌پردازد. فصل سوم مشروعیت شبیه‌سازی را از منظر احکام اولیه بررسی کرده و دلایل موافقان و مخالفان این موضوع را مطرح می‌کند. همچنین به موضوع شبیه‌سازی درمانی می‌پردازد. فصل چهارم به احکام ثانویه شبیه‌سازی انسان، پیامدها و مشکلات مرتبط و آسیب‌های احتمالی آن می‌پردازد. فصل پنجم به احوال شخصیه انسان‌های شبیه‌سازی شده می‌پردازد و موضوعاتی مانند نسب، نفقه، ارث، محرمیت، ازدواج و حضانت را بررسی می‌کند. فصل ششم شامل نتیجه‌گیری مباحث و ارائه پیشنهادات نویسنده است.

مفهوم شبیه‌سازی و موضوع آن
در فصل دوم نویسنده شبیه‌سازی را به‌عنوان فرآیندی برای تولید مثل غیرطبیعی و غیرجنسی تعریف کرده است که برخلاف روش‌های طبیعی انجام می‌شود. سپس مراحل و روش‌های شبیه‌سازی انسان را توضیح داده و انواع آن را معرفی کرده است، از جمله شبیه‌سازی اعضای خاص برای درمان، شبیه‌سازی با استفاده از سلول تخمک لقاح‌نیافته، و شبیه‌سازی همسان‌طلبی (ص ۱۱-۱۸).

در ادامه، کارکردهای مختلف شبیه‌سازی انسان بررسی شده است. این کارکردها شامل ایجاد فرزند زیستی برای زوج‌های نابارور، پیوندهای غیرقابل انکار همچون حقوق فرد شبیه‌سازی‌شده که با عقل، عدالت، و انسانیت همسو است، و همچنین شبیه‌سازی فرزندان در حال مرگ، یکی از والدین، یا افراد برجسته و نابغه می‌شود (ص ۱۸-۱۹).

علاوه بر این، نویسنده به تعریف شخصیت و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته و در ادامه به پروژه ژنوم انسان اشاره کرده است. این پروژه که به نقشه‌برداری ژنتیکی انسان می‌پردازد، به گفته نویسنده، با تکمیل خود تأثیرات شگرفی بر حوزه‌های مختلف خواهد داشت (ص ۲۱-۳۰).

ادله موافقان شبیه‌سازی انسانی از منظر حکم اولیه
در بخش اول از فصل سوم، نویسنده ابتدا دیدگاه‌های ادیان الهی و غیرالهی مانند هندوئیسم، یهودیت، مذهب کاتولیک و ارتودکس را بررسی می‌کند و سپس نظرات فقهای مسلمان را مورد بحث قرار می‌دهد.

دلیل اول: اصالة الاباحه
در قسمت اول از بخش اول نگارنده می‌نویسد بر اساس قاعده اصالة الاباحه، موافقان شبیه‌سازی انسانی را از منظر حکم اولیه مجاز می‌دانند. نویسنده با اشاره به آیه ۱۱۶ سوره نحل، تأکید می‌کند که اصل اباحه بر اصل حظر مقدم است و نمی‌توان در مورد موضوعی که حرمت آن به اثبات نرسیده، حکم به حرمت داد.

همچنین، نویسنده به نظرات فقهای اشاره می‌کند که شبیه‌سازی را فی‌نفسه حرام نمی‌دانند، اما اگر مقدمات آن غیرمشروع باشد یا خودش موجب آسیب‌های جسمی، روحی یا اجتماعی شود، آن را جایز نمی‌دانند. از دیدگاه این فقها نیز حکم اولیه اباحه است (ص ۲۵-۳۸).

دلیل دوم: کشف قوانین خلقت
نویسنده در تکمیل ادله موافقان، به دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر آیه «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» و روایت امام محمدباقر(ع) اشاره می‌کند. بر اساس این دیدگاه، تغییر خلقت به معنای خروج از حکم فطرت و دین حنیف است و شبیه‌سازی انسانی را نمی‌توان مغایر با قوانین طبیعی یا تهدیدی برای خلقت خدا دانست. وی این دیدگاه را تقویت کرده و به کسانی که شبیه‌سازی گیاهان و حیوانات را مجاز می‌دانند؛ اما در مورد انسان مخالفت می‌کنند، اشکال وارد می‌کند. نویسنده تصریح می‌کند که انسان تنها ابزار این فرآیند است و خالق اصلی

خداوند است. همچنین، تاکنون شبیه‌سازی انسانی به‌صورت کامل انجام نشده است که بتوان آن را مضر دانست و حرام اعلام کرد.

نویسنده دلایل مخالفان شبیه‌سازی را نیز تحت دو عنوان دخالت و تصرف در خلقت و استناد به آیه ۱۱۹ سوره نساء نقل کرده و همین سخنان را در پاسخ ایشان تکرار کرده است (ص ۴۲-۴۴).

نویسنده در نهایت جمع‌بندی می‌کند که از منظر حکم اولیه، شبیه‌سازی انسانی در زمره امور مباح قرار دارد، و اکثر فقهای شیعه بر اساس حکم اولیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز می‌دانند، اما برخی از آنان با توجه به پیامدهای منفی احتمالی، از منظر حکم ثانویه، برای پیشگیری از این مفسد، آن را حرام اعلام کرده‌اند. (ص ۳۸-۴۲)

شبیه‌سازی درمانی

در بخش سوم از فصل سوم نگارنده بحث مشروعیت شبیه‌سازی درمانی را مطرح کرده است. شبیه‌سازی درمانی شامل فرآیندهایی است که در آن سلول‌های بنیادی برای تولید بافت‌ها یا اندام‌های خاص مورد نیاز بیمار استفاده می‌شوند و در سه مرحله انجام می‌شود؛ انتقال هسته سلولی، تحریک تخمک حاوی هسته سلول جسمی و استخراج توده سلولی داخلی رویان.

به گفته نویسنده مرحله اول و دوم ذاتاً اشکال شرعی ندارند و مشکل در مرحله سوم است که باعث از بین رفتن جنین می‌شود. این موضوع اختلافاتی جدی در میان ادیان، به‌ویژه اسلام و مسیحیت، برانگیخته است. از نظر شرعی، این مرحله چالش‌برانگیزترین بخش شبیه‌سازی درمانی است (ص ۴۴-۴۶).

نویسنده در پایان این بخش از کتاب نتیجه می‌گیرد که در مواردی که جان انسان در خطر باشد، نابودسازی جنین برای دستیابی به سلول‌های بنیادی جهت درمان بیماری‌های سخت می‌تواند بر اساس قاعده «اَهِمُّ وَ مَهِمُّ» مجاز تلقی شود. بنابراین، شبیه‌سازی درمانی در چنین مواردی می‌تواند از نظر شرعی جایز باشد.

عنوان قتل بر نابودسازی رویان صدق نمی‌کند

نویسنده در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازد که عنوان قتل، در چه سطحی برای از بین بردن جنین صدق می‌کند. برای پاسخ به این سوال، شش فرض را مطرح می‌کند و هر یک را به تفصیل بررسی می‌نماید. این شش فرض عبارتند از: نابودی جنینی که روح در آن دمیده شده، نابودی جنین دارای اعضای کامل، پیش از دمیدن روح، نابودی جنین دارای اعضای ناقص، نابودی نطفه مستقر در رحم، نابودی نطفه مستقرنشده (قبل از لانه‌گزینی)، و بالاخره نابودی نطفه انعقادنیافته که گسترده‌ترین فرض است (ص ۴۸-۴۹).

نویسنده معتقد است اگر عنوان قتل را به نابودی نطفه‌ای که هنوز در رحم استقرار نیافته (مرحله قبل از لانه‌گزینی) تعمیم دهیم، می‌توان نابودی رویان را از باب قتل حرام دانست (ص ۴۹). ولی از آنجا که نابودی رویان در شبیه‌سازی درمانی معمولاً در مراحل اولیه (قبل از استقرار نطفه یا تشکیل اعضا) انجام می‌شود، پس عنوان قتل بر آن صدق نمی‌کند.

بنابراین، شبیه‌سازی درمانی را نمی‌توان بر اساس حرمت قتل حرام دانست، مگر اینکه دلایل دیگری برای حرمت آن وجود داشته باشد (ص ۵۰).

نویسنده در ادامه روایت اسحاق بن عمار در کتاب من لایحضره الفقیه (ص ۵۰) را که مستند نابودی نطفه حتی قبل از استقرار در رحم است را بررسی کرده و ضمن آن‌که سند آن را ضعیف ارزیابی می‌کند، معتقد است دلالت آن نیز واضح نیست. غیر از این که این روایت با ادله دیگر که حرمت قتل را به جنین دارای روح یا اعضا محدود می‌کنند، در تعارض است.

توسعه در موضوع قتل شامل نابودی رویان نمی‌شود
نویسنده در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا می‌توان حرمت نابودسازی رویان را از طریق توسعه در موضوع قتل ثابت کرد. برای این منظور، نویسنده به روایتی استناد می‌کند که به توسعه تعبدی در موضوع قتل پرداخته است. بر اساس روایت مذکور مفهوم قتل می‌تواند شامل نابودی جنین دارای اندامی بشود که روح ندارد. نویسنده معتقد است که حتی اگر توسعه مفهوم قتل را بپذیریم، این توسعه را نمی‌توان به رویان قبل از لانه‌گزینی تعمیم داد. زیرا رویان قبل از لانه‌گزینی فاقد ویژگی‌های یک جنین دارای اندام است (ص ۵۱).

نابودسازی رویان مفهوم مخترع شرعی نیست
نویسنده در ادامه به بررسی حرمت نابودسازی رویان از باب قتل به عنوان یک مفهوم مخترع شرعی، می‌پردازد. این فرضیه بر این ایده استوار است که شارع (قانون‌گذار شرعی) ممکن است مفهومی ویژه و خاص برای قتل ارائه کرده باشد که فراتر از مفهوم عرفی آن است. نویسنده این فرضیه را نیز مردود می‌داند (ص ۵۲).

نویسنده تأکید می‌کند مفهوم عرفی قتل، مفهومی فرازمانی و فرامکانی است. و برای اثبات عدول شرع از این مفهوم باید دلیل قاطعی وجود داشته باشد. در ادامه نویسنده در نقد این قائلان به این فرض تصریح می‌کند که حتی تعیین دیه لزوماً به معنای حصول عنوان قتل نیست. دیه ممکن است به دلیل ارزش ذاتی جنین یا جلوگیری از ضرر و زیان تعیین شده باشد، نه به دلیل صدق عنوان قتل (ص ۵۲). بنابراین، نمی‌توان از این عنوان برای اثبات حرمت نابودسازی رویان در شبیه‌سازی درمانی استفاده کرد (ص ۵۳).

نابودسازی نطفه شامل رویان نمی‌شود
نویسنده در ادامه حرمت شبیه‌سازی درمانی از باب منع از نابودسازی نطفه را در قالب سه فرض به تفصیل بررسی می‌کند. زیرا ممکن است کسانی از روایت معتبره اسحاق از امام کاظم (ع) چنین برداشت کنند صرف نابودسازی نطفه یک عنوان مستقل و حرام است و این عنوان، شامل نابودسازی رویان آزمایشگاهی نیز می‌شود.

نویسنده توضیح می‌دهد که رویان آزمایشگاهی و نطفه به علت تفاوت‌هایی که در روش شکل‌گیری و محل شکل‌گیری دارند، نه تنها از نظر فقهی دو موضوع متفاوت هستند و بلکه حتی مناسبات مشترکی وجود ندارد که بتوان از طریق تنقیح مناسبات حکم واحدی برای این دو ثابت کرد. بنابر این با توجه به تفاوت موضوعی روایت اسحاق که درباره نطفه ملحق در رحم است نمی‌تواند شامل رویان آزمایشگاهی بشود (ص ۵۵).

نویسنده در این فصل، مطالب خود را عمدتاً با استناد به چند منبع محدودی از چند مقاله و روایات فقهی بیان کرده است. این رویکرد ممکن است به علت تمرکز بر بحث فقهی یا محدودیت منابع مرتبط با شبیه‌سازی درمانی و مسائل فقهی مرتبط با آن باشد.

مشروعیت شبیه‌سازی بر اساس حکم ثانویه
برخی از فقها شبیه‌سازی انسانی را از نظر حکم ثانویه محل اشکال می‌دانند و نویسنده در در بخش اول از فصل چهارم کتاب، مهم‌ترین دلایل و موارد مرتبط با این دیدگاه را بررسی می‌کند (ص ۵۹) نویسنده هرچند به بسیاری از اشکالات پاسخ می‌دهد ولی در پایان بیان می‌کند که شبیه‌سازی انسانی، به عنوان یک روش غیرمعمول تولید مثل، هنوز آزمون خود را پس نداده است و ممکن است پیامدهای منفی و اثرات مخربی برای جوامع انسانی به همراه داشته باشد. بنابراین، تا زمانی که اطمینان کامل از بی‌خطر بودن این روش حاصل نشود، باید از انجام آن خودداری کرد (ص ۷۹).

نابودی تنوع انسانی و عدم بازشناسی افراد
در قسمت اول از بخش چهارم آمده برخی از فقها به استناد آیه ۲۲ سوره روم، حکمت بالغه الهی را در وجود تنوع زبان‌ها و رنگ‌ها می‌دانند و معتقدند این تنوع برای تحقق زندگی اجتماعی ضروری است. اما در شبیه‌سازی، انسان شبیه‌سازی شده کپی‌برداری از دهنده سلول است، و این تنوع از بین می‌رود (ص ۵۹). چنان‌که برخی از عالمان و مفتی‌های اهل سنت معتقدند که شبیه‌سازی انسانی باعث می‌شود تشخیص و بازشناسی افراد در جامعه بسیار مشکل شود و زمینه سوء استفاده‌های اجتماعی، اخلاقی و حقوقی را فراهم کند (ص ۶۲).

نویسنده بیان می‌کند که آیه سوره روم، یک جمله خبری و در مقام بیان واقعیت‌های درون جامعه است، نه تشریع حکمی از احکام الهی. غیر از این که قبل از ظهور کامل یک پدیده، نمی‌توان با پیش‌داوری حکم به حرمت آن داد (ص ۶۲). و نیز قرار نیست همه افراد جامعه از طریق شبیه‌سازی اولاد داشته باشند یا همه از یک سلول غیرجنسی برای تولید بچه استفاده کنند. همچنین، شبیه‌سازی انسانی به صورت گسترده نیاز به شرایط بسیار خاصی دارد، که عملاً دستیابی به آن غیرممکن است. علاوه بر این، مشکلات مطرح‌شده برای دوقلوهای یک تخمکی نیز وجود دارد ولی می‌توان با استفاده از تکنولوژی‌ها مناسب مشکلات مربوط به بازشناسی افراد را حل کرد (ص ۶۳).

لزوم تولید مثل جنسی
در بخش سوم از فصل چهارم نویسنده استناد مخالفان شبیه‌سازی به آیه ۱۸۹ سوره اعراف و ۷ سوره طارق را نقل کرده که معتقدند که اسلام از مسلمانان خواسته است تنها از طریق آمیزش جنسی به زاد و ولد بپردازند (ص ۶۵). نویسنده در پاسخ تبیین می‌کند که برای اثبات حکم حرمت، نیاز به دلیل قطعی وجود دارد و هیچ دلیلی بر وجوب تولید مثل از طریق آمیزش جنسی وجود ندارد. آیات مورد استناد مخالفان، بیانگر یک رخداد یا سنت الهی در تولید مثل هستند، نه وجوب آن (ص ۶۵).

از بین رفتن ازدواج، خانواده و مفهوم والدین

مخالفان با استناد به آیه ۱۴ سوره احقاف، معتقدند که در شبیه‌سازی انسانی، مفهوم مادری و رابطه عاطفی و روحی بین مادر و فرزند از بین می‌رود (ص ۶۷). یا ممکن است در برخی موارد فرزند پدر نداشته باشد، در حالی که در شریعت، فرد باید دارای نسب باشد (ص ۶۹-۷۰) چنان‌که شبیه‌سازی این امکان را فراهم می‌کند که از اساس برای فرزندآوری دیگر نیازی به ازدواج و تشکیل خانواده نباشد (ص ۶۹).

نویسنده در پاسخ بیان می‌کند که در شبیه‌سازی نیز درد و رنج برای مادران وجود دارد و گذراندن ۹ ماه بارداری لازم است. همچنین، وظیفه مادری در شبیه‌سازی ممکن است میان دو یا چند نفر تقسیم شود، اما این به معنای از بین رفتن کامل مفهوم مادری نیست (ص ۶۷). چنان‌که در منابع فقهی، الزامی برای تولید مثل تنها از طریق آمیزش جنسی وجود ندارد. در شبیه‌سازی، پدر و مادر صاحب سلول، به‌عنوان پدر و مادر فرد شبیه‌سازی شده محسوب می‌شوند. همچنین، اگر شبیه‌سازی با مشارکت زوجین باشد مشکلی پیش نمی‌آید (ص ۶۹-۷۰). و نیز باید دانست که فرزندآوری را تنها یکی از اهداف ازدواج می‌داند نه تنها هدف آن و به همین دلیل شبیه‌سازی نمی‌تواند جایگزین کامل برای ازدواج و برآورنده نیازهای عاطفی انسان باشد (ص ۶۹).

گسترش روابط نامشروع جنسی
نویسنده در بخش پنجم از فصل چهار کتاب می‌گوید مخالفان معتقدند که شبیه‌سازی باعث می‌شود هر فرد بتواند شخص مورد نظر خود را شبیه‌سازی کند و این امر ممکن است به روابط نامشروع با محارم و اعضای خانواده منجر شود (ص ۶۸). ولی نویسنده در پاسخ بر اختلاف سنی بین مادر و نوزاد شبیه‌سازی شده تا رسیدن به سن بلوغ تأکید می‌کند که مانع از بروز چنین آسیب‌هایی می‌شود. از سوی دیگر مورد رضاع (شیرخوارگی) را مطرح می‌کند که ممکن کودکی که از مادر رضاعی شیر خورده، بعد از بلوغ به او علاقه‌مند شود. نویسنده معتقد است این مشکلات با قوانین و مقررات قابل کنترل هستند (ص ۶۸).

مشکلات مربوط به ژنتیک
بنابر آنچه در بخش هشتم از فصل چهار آمده برخی معتقدند که شبیه‌سازی باعث می‌شود برخی از معضلات ژنتیکی پابرجا بمانند و حل نشوند. همچنین، با استناد به آیاتی مانند آیه ۲ سوره فرقان، آیه ۴۹ سوره قمر و آیه ۵۹ سوره اعراف، دستکاری ژنتیک و کدهای وراثتی را منهی خداوند می‌دانند ولی نویسنده پاسخی به این اشکال ارائه نکرده است (ص ۷۲).

مشکلات اجتماعی، اخلاقی و ارتباطی
بنابر گزارش نویسنده کتاب مخالفان معتقدند که شبیه‌سازی باعث ایجاد مشکلات اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و ارتباطی می‌شود (ص ۷۲-۷۸) چنان‌که گفته شده شبیه‌سازی ممکن است باعث استثمار زنانی شود که به عنوان مادر واقعی یا مادر میانجی در این فرآیند مشارکت می‌کنند (ص ۷۳).

ویسنده ضرورتی برای پاسخ دقیق به تک‌تک این موارد احساس نمی‌کند و به طور کلی بیان می‌کند که بسیاری از این مشکلات با قوانین و مقررات قابل کنترل هستند (ص ۷۲-۷۸) ولی درباره استثمار زنان معتقد است این روش معمولاً در قالب رحم اجاره‌ای انجام می‌شود و تاکنون مشکلات جدی در این زمینه گزارش نشده است (ص ۷۳).

بررسی احوالات شخصیه انسان شبیه‌سازی شده
موضوع فصل پنجم کتاب بررسی احوالات شخصیه انسان شبیه‌سازی شده است که شامل نسب، نفقه و ارث، محرمیت، ازدواج و حضانت می‌شود. او با بررسی اشکالات مخالفان شبیه‌سازی و ارائه پاسخ‌های خود، نشان می‌دهد که بسیاری از این اشکالات یا مبتنی بر برداشت‌های نادرست هستند یا با قوانین و مقررات قابل کنترل می‌باشند.

نویسنده در بررسی نسب نظرات فقها را به سه گروه تقسیم می‌کند:

گروه اول معتقدند که در شبیه‌سازی، لقاحی صورت نمی‌گیرد، بنابراین فرد فاقد نسب است و این عمل حرام است. نویسنده بیان می‌کند که طرفداران این نظریه دلیل قابل توجهی مطابق با معیارهای فقهی ندارند (ص ۸۹).

گروه دوم معتقدند که نسب در شبیه‌سازی وجود دارد و تشخیص آن را به عرف عام واگذار می‌کنند نویسنده بیان می‌کند که در مسائل مستحدثه، تشخیص موضوع باید توسط عرف خاص یا خبره انجام شود، نه عرف عام. همچنین، این نظریه تنها به شبیه‌سازی در کادر زوجیت توجه کرده و فروض دیگر را نادیده گرفته است (ص ۹۱).

گروه سوم معتقدند که نسب در شبیه‌سازی وجود دارد و پدر و مادر صاحب سلول، به‌عنوان پدر و مادر فرد شبیه‌سازی شده محسوب می‌شوند. نویسنده از این نظر حمایت می‌کند و بیان می‌کند که فرد شبیه‌سازی شده در واقع دوقلوی صاحب سلول است (ص ۹۱).

نویسنده سپس توضیح می‌دهد که با اثبات نسب فرد شبیه‌سازی شده، احکام نفقه، ارث و ازدواج او نیز مانند سایر انسان‌ها قابل اعمال است (ص ۹۴ و ۹۸) چنان‌که با اثبات رابطه نسبی میان کودک و پدر و مادرش، احکام حضانت نیز طبق همان نسب تصمیم‌گیری می‌شود (ص ۹۹). از نظر محرمیت نیز فرزند تنها با زن صاحب رحم (که نقشی مادر میانجی را دارد) محرم است، اما نسبت به فرزندان وی نامحرم است و می‌تواند با آنها ازدواج کند (ص ۹۷-۹۸).